



اشاره

بعضی‌ها به اشتباه تصور می‌کنند که معجزه، فقط برای اثبات نبوت پیامبران خدا نیاز بوده و بعد از ختم نبوت دیگر بکار نمی‌آید و بعد از شهادت حضرت رسول ﷺ دیگر خبری از معجزه نخواهد بود. اما برخلاف این تصور اشتباه امامان معصوم نیز برای اثبات جایگاه رفیع خود، گاهی لازم می‌دیدند که معجزاتی را به مردم نشان بدهند. در این متن به بهانه شهادت امام رضا ﷺ به چند مورد از معجزاتی که از امام هفتم در کتب و روایات معتبر ثبت شده می‌پردازیم.

البته معمولاً معجزه را به کارهای خارق العاده‌ای می‌گویند که پیامبران برای اثبات نبوت انجام داده‌اند و غالباً به کارهای خارق العاده‌ای که از امامان معصوم سر می‌زند «کرامت» می‌گویند.

۱. آن‌کس که خاک را به نظر می‌آورد

یکی از یاران امام رضا ﷺ به نام «ابراهیم بن موسی» نقل کرده:

مدتی بود که وضع مالی خوبی نداشتم و برای رهایی از گرفتاری که در آن بودم از امام رضا ﷺ درخواست کمک داشتم. آن روزها امام رضا ﷺ میزبان اقوام خود بودند که از مدینه برای دیدار با ایشان آمده بودند و فرصت نمی‌شد تا ایشان درخواست من را اجابت کنند. روزی که مهمانان عزم بازگشت به مدینه را داشتند،

با علی بن موسی ﷺ مسافتی را با ایشان از شهر خارج شدیم تا بستگان ایشان را تا چند فرسخی بیرون شهر، بدرقه کرده باشیم.

به هر ترتیب مهمانان از ما خداحافظی کرده و ما نیز به سمت طوس در حال بازگشت بودیم که وقت نماز ظهر شد. با علی بن موسی ﷺ در سایه درختی ایستادیم تا نماز بخوانیم. بعد از نماز به امام عرض کردم که مدتی ست وعده‌ای به من داده بودید و من به آن بسیار نیازمندم.

در این لحظه امام ﷺ با تازیانه‌اش محکم بر زمین کوبید و دست مبارکش را به جای ضربه کشیده و شمشیر از طلا بیرون کشید و فرمود: «این را بگیر و از آن بهره‌مند شو و آن‌چه که دیدی را پوشیده بدار و به کسی نگو»

ابراهیم بن موسی در کتب تاریخی نقل می‌کند که آن مال، به قدری برکت پیدا کرد که در خراسان، ملکی به قیمت هفتاد هزار دینار خرید و در میان امثال خودش غنی‌ترین و ثروتمندترین مردم آن دیار شد.

۲. آگاهی از نیت دروغ

«هشام عباسی» نقل کرده که برای زیارت خانه خدا به مکه رفته بودم. هنگام بازگشت به دیارم، هرچه گشتم که دو تکه پارچه «بردیمانی» بخرم تا آن‌را به پسرم هدیه بدهم، پیدا نکردم.

در راه بازگشت، به قصد زیارت امام عصر خودم به مدینه و به محضر امام رضا ﷺ رسیدم تا عرض ادبی کرده باشم و با ایشان دیداری کنم.

وقتی خواستم با آن حضرت خداحافظی کنم، بی آن که حرفی از قصه پارچه بردیمانی و عدم موفقیت در یافتن آن زده باشم، حضرت دو تکه بردیمانی و دقیقاً به همان کیفیتی که مد نظر داشتم را به من هدیه دادند و فرمودند: «این هم آن‌چه که برای پسر می‌خواستی!»

۳. استفاده پرنده از امام رضا

امام رضا ﷺ فقط ضامن آهو نبودند.

«سلیمان بن جعفر جعفری» می‌گوید: در باغ امام رضا ﷺ نشسته بودیم و با آن حضرت سخن می‌گفتم که گنجشکی آمد و جلو ما به زمین نشست و شروع کرد به فریاد کشیدن و بسیار مضطرب بود. حضرت به من فرمود: می‌دانی این گنجشک چه می‌گوید؟

گفتم: خدا و پیامبر و فرزند پیامبر او، داناترند.

فرمود: می‌گوید: ماری تصمیم دارد که تخم‌های مرا بخورد. پس برخیز و این چوب را بردار و به آنجا برو و آن مار را بکش.

راوی می‌گوید: برخاستم و چوب را برداشته و وارد خانه شدم. ناگهان دیدم که ماری در آن خانه جولان می‌کند، پس آن را کشتم.

برگرفته از پایگاه اینترنتی شهید آوینی